

عنوان مقاله:

نقش الگوی روابط قومی در پیش گیری از جرم در افغانستان

محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات حقوق اسلامی، دوره 4، شماره 10 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

جمعه علی حقانی - مدیر دبیرتمنت دانشکده فقه و حقوق

خلاصه مقاله:

کشورهای چند قومی، برای حل مشکلات شان، تاکنون، چهار نوع الگوی روابط قومی را تجربه کرده اند. اولین الگویی که به آزمایش گذاشته شد، ایجاد انسان جدید بود که بر اساس آن، از ازدواج اقوام مختلف (ازدواج برون گروهی) با یکدیگر، انسانی به وجود می آید که به یک قوم خاصی تعلق ندارد؛ بلکه نژادش به چندین قوم برگشت دارد. دومین الگو، الگوی همانند گرایی است که در دو سطح فرهنگی و ساختار اجتماعی رخ می دهد که بر اساس این الگو، فرهنگ سایر اقوام و همین طور گروه های اجتماعی آن ها، در فرهنگ و ساختار اجتماعی قوم غالب، محو و ناپدید می گردند. سومین الگوی قومی تکثر گرایی است که بر اساس این الگو، اقوام مختلف همانند سالاد، فرهنگ و ساختار اجتماعی خودشان را حفظ می کنند. چهارمین الگو، الگوی وحدت در کثرت است که در این الگو، از یک طرف تکثر و تعدد قومی به رسمیت شناخته می شود و از طرف دیگر، وحدت جغرافیایی و فرهنگی نیز، مورد توجه قرار می گیرد. با توجه به ساختار قومی در افغانستان، مناسب ترین الگو در پیشگیری از جرم، الگوی «وحدت در کثرت» است، الگویی که در عین حفظ و حراست از ارزش های اقوام مختلف، وحدت جامعه نیز، مورد توجه قرار می گیرد.

کلمات کلیدی:

افغانستان، همانند سازی، تکثر گرایی قومی، وحدت در کثرت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1574068>

